

حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای برای ملت‌ها

در حقوق بین‌الملل با تاکید بر برجام

پروین پور سعید^۱، پیمان حکیم زاده خویی^{۲*}

چکیده

زمینه و هدف: انرژی هسته‌ای از زمان کشف تاکنون همواره از دو جهت کاربرد نظامی، و استفاده صلح آمیز مورد توجه حقوقدانان و سیاستمداران بوده است. علیرغم صراحت مقررات معاهده جهانی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بر حق لاینفک و بدون تبعیض تمامی کشورها مبنی بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای در تمام جوانب آن؛ برخی کشورهای هسته‌ای و حامیان آن‌ها در دهه‌های اخیر از طریق ارائه تفاسیر حقوقی و انجام ترتیبات و اقدامات بین‌المللی تلاش کرده‌اند قلمرو برخورداری از این حق را برای کشور ایران به بهانه جلوگیری از اشاعه تسلیحات هسته‌ای محدود نمایند. هدف تحقیق حاضر این است که ضمن مطالعه‌ی حق کشورها مبنی بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای؛ برنامه‌ی جامع اقدام مشترک (برجام) را که جهت جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، طرح‌ریزی و اجرا شده است را مورد بررسی قرار دهد.

روش: تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. همچنین سایت‌ها و مقالات الکترونیکی جهت به دست آوردن مستندات، مطالب و اطلاعات مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها و نتایج: نگرانی جامعه‌ی بین‌الملل از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای موجب مذاکرات طولانی و دامنه‌داری با ایران شد که نهایتاً منجر به طرح موافقتنامه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) گردید. برجام حاصل تلاش گروه موسوم به ۵+۱ است که حاوی محدودیت‌های فراوانی بر برنامه‌ها و فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز ایران است. در قبال محدودیت‌های ذکر شده در برجام، تعهداتی نیز بر عهده‌ی گروه ۵+۱ گذاشته شده است که در مرحله‌ی اجرا محدودیت‌ها بر علیه ایران به تمام و کمال اجرا شده است اما در مورد تعهدات مذکور کشور آمریکا به طور یک‌جانبه از برجام خارج شد و دیگر کشورها نیز تا کنون به تعهدات خود پایبند نبوده‌اند.

واژگان کلیدی: استفاده صلح آمیز، انرژی هسته‌ای، حقوق بین‌الملل، برجام.

۱. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. نویسنده مسئول

مقدمه

با افزایش تعداد کشورهایایی که به سلاح هسته‌ای دست پیدا کردند، این هراس پدید آمد که اگر دولت‌ها به‌طور روز افزون یکی پس از دیگری به سلاح هسته‌ای مجهز گردند، جهان چه آینده‌ای خواهد داشت و چه ناامنی همه‌گیری نسل بشر را تهدید خواهد کرد. لذا جامعه‌ی بین‌الملل مصمم شد با تصویب قوانین حقوقی معتبر، قاطع و دارای ضمانت اجرایی؛ طوری کنترل این کشف جدید یعنی انرژی هسته‌ای را در دست بگیرد که ضمن استفاده‌ی مفید و صلح‌آمیز دولت‌ها، از استفاده‌ی مخرب و خصمانه‌ی آن جلوگیری به عمل آید. البته شایان ذکر است کشورهایایی اقدام به وضع قوانین بین‌المللی حقوقی در جهت منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نمودند که خود به این سلاح دست یافته بودند. این دولت‌ها عنوان نمودند، کشورهایایی که تاکنون به سلاح هسته‌ای دست یافته‌اند کشورهای برخوردار و مابقی کشورها، عدم برخوردار هستند. با توجه به این موضوع از همان بدو شروع به وضع قوانین حقوقی بین‌المللی ماهیت تبعیض‌آمیز این قوانین نیز شکل گرفت. طوری که کشورهای برخوردار تا به امروز توانسته‌اند سلاح‌های هسته‌ای خود را حفظ نمایند و کشورهای عدم برخوردار از داشتن چنین سلاح‌هایی منع شده‌اند و این موضوع در اختلاف قدرت نظامی کشورهای برخوردار و عدم برخوردار تأثیر به‌سزایی داشته است. و اما در میان کشورهایایی که عدم برخوردار هستند، برخی دول آگاهانه در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای عضو نشدند تا بتوانند به فعالیت در جهت دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای پردازند و عاقبت به سلاح هسته‌ای نیز دست یافتند که در اینجا ضعف قوانین حقوق بین‌المللی هسته‌ای آشکارا به چشم می‌خورد. چرا که هیچ مجمع بین‌المللی یا هیچ قوانین حقوقی بین‌المللی‌ای برنامه‌ای در جهت جلوگیری از دستیابی دول غیر عضو، به سلاح هسته‌ای را ندارد و خلاء قانونی بزرگی از این لحاظ به چشم می‌خورد؛ طوریکه آشکارا شاهدیم در قوانین حقوق بین‌الملل برای ممانعت از تولید و تجهیز سلاح هسته‌ای کشوری که آگاهانه عضو آن. پی. تی نشده تا به سلاح هسته‌ای دست یابد، هیچ تمهیدی اندیشیده نشده است.

از طرف دیگر کشورهایایی که سردمدار اجرای قوانین بین‌المللی هستند می‌توانند به بهانه‌ی جلوگیری از منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای دیگر کشورها جلوگیری به عمل آورند که این نیز خود نوعی خلل قانونی محسوب می‌گردد چرا که قوانین حقوق بین‌الملل باید متضمن استفاده‌ی صلح‌آمیز دولت‌ها از انرژی هسته‌ای باشد و باید راهکارهای لازم جهت ممانعت از ایجاد اختلال در برنامه‌ی صلح‌آمیز هسته‌ای دولت‌ها توسط برخی دول زورگو را پیش‌بینی و تعبیه نموده باشد.

به موجب حقوق بین‌الملل عام تحقیق، توسعه، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای همه دولت‌ها مجاز و در واقع از حقوق ذاتی آنها است. اما استفاده از انرژی هسته‌ای همچون سایر

اعمال دولت‌ها می‌بایست در چارچوب سایر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عام باشد. در حقوق بین‌الملل عام دو محدودیت عمده در زمینه فعالیت‌های مجاز دولت‌ها، از جمله فعالیت‌های هسته‌ای، وجود دارد: یکی ممنوعیت به کارگیری فعالیت‌های مجاز به منظور ارتکاب جنایات بین‌المللی و دیگری جبران خسارت ناشی از فعالیت مجاز دولت‌ها. بنابراین هیچ دولتی نمی‌تواند انرژی هسته‌ای را برای ارتکاب جنایات بین‌المللی مانند تجاوز به دیگر دولت‌ها جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت مورد استفاده قرار دهد. همچنین، چنانچه دولتی در اثر فعالیت‌های مجاز هسته‌ای خود موجب خسارت به دیگر دولت‌ها و یا آسیب‌های جدی به محیط زیست گردد ملزم به جبران خسارت خواهد بود. (کیس، به نقل از مجتبی بابائی، ۱۳۹۴: ۳۹)

با توجه به اینکه در طول این شصت و چند سال از یک سو سلاح‌های هسته‌ای از لحاظ کمی و کیفی توسعه یافته و از سوئی دیگر عدم امکان کنترل یا دفاع موثر یکی از ویژگی‌های ذاتی آن‌ها شده است انتظار می‌رفت به تدریج با آشکار شدن هر چه بیشتر چهره خطرناک این سلاح و خطرات ناشی از کاربرد احتمالی آنها، جامعه بین‌المللی در قبال کاربرد اینگونه سلاح‌ها رویکرد قاطعانه گرفته و کاربرد آن را جرم‌انگاری کند؛ ولی تا به امروز به دلیل برخی ملاحظات این امر محقق نشده است. بررسی رویکرد جامعه بین‌المللی در قبال کاربرد سلاح‌های هسته‌ای نشان می‌دهد که تا به امروز در این رویکرد هیچگونه ممنوعیتی عام و مطلق، اعم از عرفی یا قراردادی، در خصوص کاربرد سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد. (سلیمی ترکمان، ۱۳۹۰: ۶۲)

پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای ماحصل یک معامله و مصالحه است. گرچه هدف اصلی پیمان ایجاد یک جهان عاری از تسلیحات هسته‌ای است، جایی که فناوری هسته‌ای تنها در مقاصد صلح‌آمیز برای خدمت به بشریت به کار گرفته می‌شود، اما در واقع این یک معاهده تبعیض‌آمیز است. این پیمان جهان را به دو طبقه از دولت‌ها تقسیم‌بندی می‌کند، آن‌هایی که تسلیحات هسته‌ای دارند و آن‌هایی که ندارند. (کنفرانس ملل متحد در نیویورک، ۱۹۹۴: ۵۸۶-۵۶۹)^۱

عضویت در آژانس بین‌المللی اتمی و پیوستن به معاهده منع گسترش (عدم تکثیر) تسلیحات هسته‌ای و پروتکل‌های الحاقی و انعقاد موافقت‌نامه‌های پادمانی از جمله اقداماتی هستند که در راستای ضابطه‌مند نمودن استفاده از انرژی هسته‌ای ارزیابی می‌شوند تا بدین وسیله تضمین نمایند انرژی هسته‌ای کاربردهای صلح‌آمیز خواهد داشت و به سمت به کارگیری در برنامه تسلیحات هسته‌ای انحراف پیدا نخواهد کرد. معاهده ۱۹۶۸ با قرار دادن دولت‌ها در دو گروه دارنده و فاقد سلاح هسته‌ای تعهدات نابرابری بر آن‌ها تحمیل کرده است، اما کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای با

هدف دستیابی به ارزشی والاتر یعنی برقراری صلح و امنیت بین‌المللی به چنین تعهداتی تن دادند. در این مقاله سعی شده است به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- در حقوق بین‌الملل حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای برای کشورها چگونه تعریف شده است؟

- آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در بردارنده‌ی حق استفاده‌ی صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را برای کشور ایران مثل دیگر کشورها هست یا در این برنامه‌ریزی محدودیت‌هایی برای ایران تعبیه شده است.

۱- مفهوم استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای

استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی، استفاده‌ای است که: اولاً به اهداف نظامی و ثانیاً به ساخت و تولید سلاح‌ها و ادوات انفجاری اتمی منحرف نشده باشد.

۲- اصول حقوق بین‌الملل هسته‌ای

نظم حقوق بین‌المللی به اقتضای ساختار خاص نظام بین‌المللی و بازیگران آن شکل می‌گیرد. از این رو نظم عمومی بین‌المللی بایستی انعکاسی از تحولات و دگرگونی‌های پیرامون جامعه بین‌المللی باشد. در این راستا امروزه تغییرات بنیادین و اساسی در ساختار و اصول حاکم بر جامعه بین‌المللی رخ داده که آثار کاملاً مشهودی بر مفهوم نظم عمومی بین‌المللی گذاشته است. امروزه به نظر می‌رسد ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی و به تبع آن حقوق بین‌الملل، حول محور صلح، توسعه و دموکراسی می‌باشد. (بطروس غالی، ترجمه بیگ‌زاده، به نقل از سلیمی ترکمان، ۱۳۹۱: ۸۰)

جهت آشنایی با حقوق بین‌الملل در خصوص حق استفاده‌ی صلح آمیز از انرژی هسته‌ای لازم است اصول حقوق بین‌الملل از دو منظر مورد بررسی قرار گیرد: حقوق بین‌الملل عام و حقوق بین‌الملل هسته‌ای.

۲-۱- حقوق بین‌الملل عام

با عنایت به مفاد حقوق بین‌الملل عام در می‌یابیم که هیچ‌بندی از آن به طور صریح و مستقیم اشاره به حق استفاده دولت‌ها از انرژی صلح آمیز هسته‌ای ندارد و از غنی‌سازی اورانیوم به طور آشکارا صحبتی به میان نیامده است. اما با دقت و تعامل در مفاد اصول و مبانی حقوق بین‌الملل می‌توان دریافت، هیچ اشاره‌ای به منع استفاده‌ی صلح آمیز از انرژی هسته‌ای نشده است و حق غنی‌سازی را می‌توان به عنوان حق مسلم ملت‌ها قلمداد کرد. با توجه به اینکه که هیچ قاعده عامی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که اقدام دولت‌ها را در زمینه استفاده صلح آمیز از دانش هسته‌ای از جمله

غنی‌سازی اورانیوم، منع کند بنابراین اقدامات دولت‌ها در این زمینه از منظر حقوق بین‌الملل عام اصولاً مجاز و مشروع تلقی می‌گردد و هر نهاد یا مقامی که مانع دستیابی دولت‌ها به استفاده صلح‌آمیز دولت‌ها از دانش یا فناوری هسته‌ای گردد، عملی مغایر با حقوق بین‌الملل عام انجام داده است. همچنین، با توجه به اصل لوتوس می‌توان به مجاز بودن غنی‌سازی اورانیوم در حقوق بین‌الملل حکم داد و این عمل را یک حق عام برای دولت‌ها تلقی نمود. (بابائی، ۱۳۹۴: ۳۶)

۲-۲- حقوق بین‌الملل هسته‌ای

پس از کشف اتم و توسعه روزافزون استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و در عین حال آگاهی و وحشت جامعه جهانی از پیامدهای بسیار ناگوار به کارگیری این کاوش جدید برای مقاصد نظامی، تلاش‌های گسترده‌ای در سطح جامعه بین‌المللی آغاز گردید تا ضمن تضمین استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مانع از انحراف استفاده از آن به سمت تولید سلاح هسته‌ای شود. مجموعه این تلاش‌ها منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای از اسناد، معاهدات، قواعد عرفی و رویه‌هایی گردیده که ما از آن‌ها به‌عنوان حقوق بین‌الملل هسته‌ای یاد می‌کنیم و قصد داریم موضوع استفاده از انرژی هسته‌ای و به‌ویژه غنی‌سازی اورانیوم را از این منظر مورد بررسی قرار دهیم. اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.بی.تی) و رویه دولت‌های عضو مهمترین منابع حقوق بین‌الملل هسته‌ای به شمار می‌آیند.

الف) اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

به دنبال پیشنهاد آیزنهاور رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۳ خطاب به مجمع عمومی، تأسیس یک سازمان بین‌المللی اتم برای صلح در زمینه انرژی اتمی طرح در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفت. در نتیجه تلاش‌های سازمان ملل متحد، سرانجام اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷ مورد تصویب هشتاد کشور، قرار گرفت. اهداف و وظایف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را می‌توان در سه حوزه دسته‌بندی نمود:

- کمک به دولت‌های عضو در زمینه توسعه، تحقیق و استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای
- کمک به دولت‌های عضو در زمینه حفاظت و ایمنی تأسیسات هسته‌ای
- نظارت بر عدم انحراف استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد نظامی و تولید (بابائی، ۱۳۹۴: ۳۷)

ب) معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مهمترین سند بین‌المللی است که مستقیماً و توأمان هم تعهد به عدم تکثیر سلاح هسته‌ای و هم حق استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را مورد توجه قرار داده است. اگرچه این معاهده با دسته‌بندی دولت‌های عضو به دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای

و دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای و نابرابری حقوق و تعهدات این دو دسته، سندی ناعادلانه به نظر می‌آید، اما پیداست که عضویت تقریباً جهانی این معاهده ناشی از واقعیات جامعه بین‌المللی بوده که گاه ترس از جنگ و یا حفظ صلح بر عدالت و برابری اعضای جامعه بین‌المللی به عنوان آرمان جامعه بشری سایه افکنده است. گذشته از این، به رسمیت شناختن صریح حق مسلم دولت‌های عضو نسبت به برخورداری از انرژی هسته‌ای در متن معاهده عامل اساسی الحاق کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای به این معاهده بوده است. به موجب ماده ۴ هیچ یک از مقررات این معاهده نباید به نحوی تفسیر گردد که مانع از حق مسلم کشورهای عضو برای برخورداری از انرژی هسته‌ای گردد. به اعتقاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه انگیزه اساسی آن‌ها برای الحاق به این معاهده حفظ حق مندرج در ماده ۴ معاهده بوده است. به رسمیت شناختن حق بر انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در معاهده‌ای بین‌المللی که ۱۹۰ دولت عضو آن هستند باعث گردیده تا برخی این حق را به عنوان یکی از حقوق بنیادین دولت‌ها تلقی کنند و بر این باور باشند که هیچ نهادی صلاحیت محرومیت یا ایجاد مانع از اعمال چنین حقی را نداشته باشد. (بابائی، ۱۳۹۴: ۳۸)

ج) رویه دولت‌های عضو ان. پی. تی

رویه دولت‌های عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به ویژه کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای حکایت از آن دارد که حق دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای از حقوق مسلم همه دولت‌های عضو معاهده بوده و از این حیث تفاوتی میان هیچ یک از آن‌ها وجود ندارد. اگرچه در حال حاضر سهم انرژی هسته‌ای در تولید انرژی در جهان نسبت به سایر منابع انرژی به ویژه منابع فسیلی قابل توجه نیست، اما روند استفاده از فناوری هسته‌ای در زمینه تولید انرژی در جهان روزبه روز در حال افزایش است. با توجه به موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که در وضعیت کنونی، استفاده از انرژی هسته‌ای حقی است بنیادین برای همه دولت‌ها که هم در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای و هم در حقوق بین‌الملل عرفی جایگاه خود را تثبیت نموده است. اما این حق نیز همچون سایر حقوق دولت‌ها، ممکن است با تعهدات و محدودیت‌هایی همراه باشد. (بابائی، ۱۳۹۴: ۳۸)

حق دولت‌ها در زمینه برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در رویه دولت‌ها در خور تأمل است. آنچه مسلم است معاهده ان. پی. تی به صراحت حق دولت‌های عضو در زمینه توسعه، تحقیق و استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را به رسمیت شناخته و استفاده از این انرژی صرفاً برای مقاصد نظامی منع شده است. با این همه، همان‌گونه که ذکر شد، نه مقاصد صلح‌آمیز و نه مقاصد نظامی در معاهده و اسناد مرتبط تعریف نشده‌اند. بنابراین تعریف و تفکیک این دو نوع

استفاده از انرژی هسته‌ای را می‌توان در رویه دولت‌ها بررسی نمود. در واقع فناوری هسته‌ای در مراحل مختلف، از تحقیق و توسعه گرفته تا غنی‌سازی اورانیوم، به میزان و درجات مختلف تفاوتی میان اهداف صلح‌آمیز و نظامی تفاوتی وجود ندارد و فرآورده نهایی یعنی اورانیوم غنی شده حاصل از تحقیق، توسعه و تولید تجاری می‌تواند مورد استفاده در نیروگاه‌های تولید برق و یا تولید سلاح هسته‌ای به کار رود. (البرادعی، به نقل از بابائی، ۱۳۹۴: ۴۴)

۳- حق استفاده صلح‌آمیز ایران از انرژی هسته‌ای

حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل جایگاه اساسی داشته و جزء مصادیق حقوق بشر به شمار می‌آید. همچنین حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای با حق توسعه رابطه نزدیکی دارد. تکامل و پیشرفت جوامع جزء بدیهیات جامعه جهانی است و هر کشوری حق دارد در پروسه جهانی شدن از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و... تکوین یابند تا کلوب کشورهای توسعه یافته در جهان با توجه به هدف پدیده جهانی شدن تکمیل گردد، بنابراین با توجه به مزایای داشتن حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، حق برخورداری از آن مکمل حق توسعه بوده و وجود این حق امروزه برای تضمین حق توسعه اجتناب ناپذیر است.

"استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی"^۱ عبارتی است که ظرف چند دهه اخیر به کرات در اسناد و مدارک بین‌المللی مختلفی به کار رفته و مورد تاکید قرار گرفته است. طرح اتم برای صلح^۲ (۱۹۵۳) اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، معاهده تلاتلکو (بند ۱۶ مقدمه، مواد ۱۷ و ۱۸)، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (مقدمه، مواد ۳، ۴ و ۵)، معاهده را روتونگا (ماده ۴)، معاهده پلیندا (مقدمه و ماده ۸) و اسناد نهایی کنفرانس‌های بازنگری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، از جمله این اسناد و مدارک بین‌المللی به شمار می‌آید که بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی را تصریح نموده‌اند. اما سوالی که می‌تواند مطرح شود این است که استفاده صلح‌جویانه از انرژی اتمی چیست و مشخصاً به چه استفاده‌هایی، استفاده صلح‌آمیز اطلاق می‌شود اسناد فوق تعریف صریحی از آن ارائه نداده‌اند. شاید به این دلیل که مفهوم استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی مفهوم روشن بوده و نیازی به تعریف نداشته است. علیرغم این، حقوق بین‌الملل موجود معیارهایی برای تعیین مصادیق استفاده‌های صلح‌آمیز از غیر صلح‌آمیز ارائه داده است. براساس این حقوق استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی آن استفاده‌ای است که به اهداف نظامی و ساخت و تولید سلاح‌ها و ادوات انفجاری اتمی منحرف نشده باشد.

معیار اول توسط اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مقرر شده است. ماده ۲ اساسنامه آژانس در این خصوص اذعان داشته است: «آژانس تا حد توان باید تضمین کند که کمک‌ها و مساعدت‌هایی که (برای دولت‌ها) فراهم آورده، طوری مورد استفاده قرار نگیرد که به اهداف نظامی منجر گردد.» این ممنوعیت انحراف مواد و تجهیزات اتمی به اهداف نظامی در مواد ۳، ۱۱ و ۱۲ اساسنامه نیز تکرار شده است. از مفهوم مخالف عبارات ماده ۲ اساسنامه می‌توان استنباط کرد که فعالیت‌های هسته‌ای که به (اهداف نظامی) منجر نمی‌شود صلح‌آمیز بوده و ممنوع نمی‌باشند. اما سوال مطروحه در این خصوص این است که «اهداف نظامی» چیست و مصادیق آن کدامند؟ ابهام در این مفهوم نتیجتاً ابهام در مفهوم کاربردهای صلح‌جویانه انرژی اتمی را موجب خواهد شد. مذاکرات تدوین اساسنامه و رویه دولت‌های عضو نشان می‌دهد که «اهداف نظامی» (مقرر در اساسنامه) هر نوع هدف نظامی مستقیم و غیرمستقیم نظامی است. بدین توضیح که هر نوع استفاده اتمی برای اهداف نظامی و جنگی (ساخت و به کارگیری تسلیحات اتمی) و پشتیبانی‌های نظامی (از قبیل استفاده از فناوری اتمی برای تامین برق پادمان‌های نظامی یا به حرکت در آوردن کشتی‌ها و زیر دریایی‌های جنگی و نظامی) انحراف فناوری اتمی به اهداف نظامی محسوب می‌شود. پس، از نظر اساسنامه آژانس استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای استفاده‌ای است که به اهداف نظامی منحرف نشود. معیار دوم هم توسط معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مقرر گردیده است. براساس این معاهده استفاده از انرژی اتمی در صورتی صلح‌آمیز است که به ساخت و تولید سلاح‌های و ادوات انفجاری اتمی منجر نشود. به غیر از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، برخی از معاهدات بین‌المللی منطقه‌ای راجع به انرژی هسته‌ای نیز، ساخت سلاح و ادوات هسته‌ای از انرژی اتمی را، استفاده غیر صلح‌آمیز از این انرژی قلمداد نموده و آن را منع کرده‌اند. از جمله این معاهدات می‌توان به معاهدات تلاتلکو (۱۹۶۷)، را روتونگا (۱۹۸۶)، بانکوک (۱۹۹۵) و پلیندا (۱۹۹۶) اشاره نمود. (برتل، ۱۹۹۵: ۱)

در مقایسه با معیار اساسنامه، علی‌الظاهر معیار معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در تعیین کاربردهای غیر صلح‌آمیز انرژی اتمی محدودتر است و مواردی را که ارتباط غیرمستقیم با اهداف نظامی دارند را شامل نمی‌شود. این معاهده استفاده از انرژی اتمی برای به حرکت در آوردن کشتی‌های نظامی یا جنگی یا استفاده از آن برای تولید برق مراکز نظامی و ارتشی را، استفاده غیر صلح‌آمیز از اتم ندانسته است. در این زمینه، وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا در مارس سال ۱۹۶۸ (زمان انعقاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) بیانیه‌ای را صادر و ضمن آن اعلام کرد: «زیر دریایی‌های نظامی (جنگی) که با سوخت هسته‌ای کار می‌کنند فی نفسه سلاح اتمی محسوب نمی‌شوند. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مواردی چون کاربردهای

نظامی انرژی اتمی از قبیل حرکت دادن کشتی‌ها و زیر دریایی‌های جنگی از طریق راکتورهای هسته‌ای را شامل نمی‌شوند. بنابراین، هیچ یک از مقررات معاهده مانع از تدارک سوخت هسته‌ای برای اهداف فوق نخواهد شد.

حق لاینفک کشورها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای به کرات در اسناد بین‌المللی تکرار شده است و موضوعی نیست که به‌سادگی قابل‌انکار باشد. از طرف دیگر، وقوع برخی حوادث سبب شده است که دول هسته‌ای برای جلوگیری از انحراف فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به فعالیت‌های نظامی تدابیری را بیندیشند، تدابیری که سبب اعمال محدودیت‌های غیرقانونی بر اعمال حقوق مسلم قانونی و مشروع کشورهای غیرهسته‌ای گردید. طرفداران انرژی هسته‌ای ادعا می‌کنند این انرژی منبع بی‌پایانی از انرژی پاک و مقرون به صرفه را به جهان ارائه می‌کند. مخالفان ادعا می‌کنند انرژی هسته‌ای غیر اقتصادی، ناامن و ناسازگار با محیط زیست و تهدیدی برای ثبات جهان است. (برتل، ۱۹۹۵: ۱۱)

گرایش روز افزون به استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی در کنار ترس از گسترش تسلیحات هسته‌ای و وقوع جنگ هسته‌ای، جامعه بین‌المللی را به انعقاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸) سوق داد. منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برای همه‌ی و خلع سلاح هسته‌ای، سه ستون اصلی این معاهده را شکل می‌دهند. با وجود این مفهوم، دامنه شمول و حدود حقوق و تعهدات دولت‌های عضو در رابطه با این ستون‌ها، همواره از مسائل مورد اختلاف گروه‌های مختلف دولت‌ها، به ویژه کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای بوده است. مناقشه بر سر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، از جمله موضوع حق غنی‌سازی اورانیوم، نمونه بارزی از این اختلافات است. بر پایه یافته‌های تحقیق حاضر، استفاده از انرژی هسته‌ای حقی عام و ذاتی است که کلیه دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل عام از آن برخوردارند. اما این حق عام، در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با تعهد به عدم گسترش و ساخت سلاح محدود شده است. (بابایی، ۱۳۹۴: ۳۳)

۴- لزوم غیرقابل تبعیض بودن حق استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای

از جمله ویژگی‌های حق استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای لاینفک بودن و غیر قابل تبعیض بودن آن هست که در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و حقوق بین‌الملل به آن اشاره شده است.

بند ۱ ماده ۴ معاهده NPT: هیچ یک از بندهای این معاهده به نحوی تفسیر نخواهد گردید که به حقوق غیرقابل انکار هر یک از اعضای آن به‌منظور توسعه تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از

انرژی هسته‌ای جهت اهداف صلح‌جویانه بدون هر نوع تبعیض و منطبق با مواد ۱ و ۲ این معاهده، خللی وارد نماید.

حقوق بین‌الملل هم، به تبعیت از نظام‌های حقوق ملی، یک سلسله حقوق لاینفکی را برای تابعان خود (دولت‌ها) مقرر نموده است که حتی توسط خود آن‌ها نیز نمی‌تواند سلب شود. حتی استقلال و حاکمیت از جمله حقوق لاینفک و بنیادی دولت‌ها به شمار می‌آید که خود دولت‌ها نیز مجاز نیستند چنین حقوقی را از خود سلب نمایند. حقوق بین‌الملل به دولت‌ها اجازه نمی‌دهد که خودشان را مستعمره کنند یا صلاحیت قضایی‌شان را سلب نمایند. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به حق دولت‌ها از استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چنین وصفی را اعطاء نموده و آن را غیرقابل سلب یا لاینفک اعلام کرده است. نقش و اهمیت حیاتی که دانش و تکنولوژی هسته‌ای صلح‌جویانه در توسعه و پیشرفت کشورها دارد حقوق بین‌الملل را بر آن داشته است که اعلام کند استفاده صلح‌آمیز از تکنولوژی هسته‌ای حق لاینفک همه دولت‌هاست. ویژگی دیگر حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای "تبعیض‌آمیز نبودن" آن حق است. بدین مفهوم که همه دولت‌ها باید از این حق متمتع شوند و نمی‌توان برخی از آن‌ها را از این حق محروم کرد. حق همه دولت‌هاست که از موهبت فوائد کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای استفاده نمایند. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که در حال حاضر اساس تمامی اسناد بین‌المللی در زمینه انرژی هسته‌ای تلقی می‌شود، به صراحت به تمتع بدون تبعیض تمامی اعضاء خود از این حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تاکید ورزیده است. براساس براجام طرفین توافق نمودند که برای رسیدن به یک راه حل جامع بلند مدت و مورد توافق طرفین و با هدف تضمین صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران اقدامات متقابلی را به صورت داوطلبانه به عنوان گام اول یک راه حل جامع بلند مدت انجام دهند.

موضوع غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران یکی از موضوعات مورد مناقشه در خلال مذاکرات تدوین این موافقتنامه میان طرفین بود. در حالی که طرف ایرانی به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی برای ایران در متن این توافقنامه اصرار داشت، طرف مقابل از پذیرش چنین حقی امتناع می‌کرد. سرانجام این موضوع در متن توافقنامه مسکوت ماند. این وضعیت موجب شد تا بلافاصله پس از توافق هر یک برداشت و تفسیر مورد نظر خود را از متن توافقنامه ابراز دارد، به طوری که از یک سو مقامات ایرانی از تثبیت حق غنی‌سازی ایران در توافقنامه ژنو سخن به میان می‌آوردند و در سوی دیگر وزارت خارجه آمریکا منکر وجود هر گونه حق غنی‌سازی به موجب توافقنامه ژنو (برجام) شد. (بابایی، ۱۳۹۴: ۴۹)

۵- تلاش‌های بین‌المللی در جهت محدودسازی قلمرو حق استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای

در سال‌های اخیر جوامع بین‌المللی تلاش‌های فراوانی جهت محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران انجام دادند. این تلاش‌ها در قالب یک سلسله مذاکرات رسمی برای طرح جامع اقدام مشترک درباره برنامه اتمی ایران با پذیرفتن توافق موقت ژنو بر روی برنامه هسته‌ای ایران در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد و به مدت ۲۰ ماه کشورها درگیر مذاکره بودند که در آوریل ۲۰۱۵ تفاهم هسته‌ای لوزان شکل گرفت و در نهایت این تلاش‌ها منجر به شکل‌گیری برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) شد. بر اساس این توافق‌نامه محدودیت‌های فراوانی بر فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران اعمال شد در ادامه شرح داده شده است.

۶- محدودیت‌های ناظر بر حق توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای

می‌توان به طور کلی محدودیت‌های ناظر بر حق هسته‌ای ایران را به ۲ قسمت تقسیم کرد:
اول: تقدم بالقوه جامعه بین‌المللی بر منافع فردی دولت‌ها که به عنوان اصول کلی در حقوق بین‌الملل در این مورد خاص مانع تراشی می‌کند.

دوم: عدم توزیع فواید بالقوه کاربردهای صلح‌آمیز آزمایشات هسته‌ای در چارچوب ماده ۵ معاهده ان. پی. تی. که اظهار می‌دارد: هر یک از طرف‌های متعاهد متعهد می‌شود که تدابیر مقتضی اتخاذ کند تا طبق مفاد این معاهده و تحت نظارت بین‌المللی مقتضی و از طریق رویه‌های بین‌المللی مقتضی فواید هر نوع استفاده صلح‌جویانه از انفجارهای هسته‌ای با رعایت اصل عدم تبعیض در اختیار کلیه دولت‌های طرف معاهده که فاقد سلاح هسته‌ای هستند قرار گیرد و هزینه مورد مطالبه از آن‌ها بابت ادوات انفجاری مورد استفاده، تا سرحد امکان ناظر تعیین گردد.

۷- برجام و حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای

توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان شناخته شده و رسمی "برنامه جامع اقدام مشترک" یا "برجام" منعقد شد که در راستای توافق جامع بر سر مذاکرات هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ (شامل چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) می‌باشد. طبق این توافق، ایران ذخایر اورانیوم غنی شده متوسط خودش را پاکسازی خواهد کرد و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع می‌کند، و تعداد سانتریفیوژها را حدود دوسوم و حداقل برای ۱۵ سال کاهش می‌دهد. برای ۱۵ سال بعد، ایران موافقت کرده است که اورانیوم را بیش از ۳/۶۷

درصد غنی‌سازی نکند یا هیچ تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید یا رآکتور آب‌سنگین جدیدی را نسازد. فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم به مدت ۱۰ سال به یک تک ساختمان که از سانتریفیوژهای نسل اول استفاده می‌کند محدود خواهد بود. دیگر تأسیسات نیز طبق پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اجتناب از خطرهای تکثیر سلاح‌های اتمی تبدیل خواهند شد. برای نظارت و تأیید اجرای توافق‌نامه توسط ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ به تمام تأسیسات اتمی ایران دسترسی منظم خواهد داشت. در نتیجه این توافق‌نامه که تأییدیه پایدار متعهدین آن را به همراه دارد، ایران از تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده بیرون خواهد آمد.

۷-۱- گزارش کمیسیون ویژه بگرام در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۱۱

در اجرای ماده (۴۴) آیین‌نامه داخلی گزارش کمیسیون ویژه بررسی بگرام، نتایج و پیامدهای آن که با حضور اعضای تیم مذاکره‌کننده، کارشناسان، حقوقدانان و صاحب‌نظران در جلسات متعدد مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً در جلسه روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۱ به تصویب رسیده و جهت قرائت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی ارائه گردید.

۷-۲- خلاصه‌ای از جنبه‌ی حقوقی بگرام

۱. کمیسیون معتقد است، صرف‌نظر از بحث‌های حقوقی مبنی بر اینکه بگرام توافقی حقوقی است یا سیاسی؛ در متن بگرام و ضمیمه‌های آن تعهداتی برای طرفین ذکر گردیده به نحوی که تعهدات طرف ایرانی روشن و صریح بوده، اقدامات اجرائی آن نیز توسط آژانس بین‌المللی انرژی راستی‌آزمایی می‌گردد اما تعهدات سایر طرف‌ها با توجه به احکام پیچیده مندرج در آن دچار آسیب‌های جدی است.

۲. کمیسیون در مجموع به این جمع‌بندی رسیده است که نظر دولت درباره غیرقابل اصلاح و تفسیر بودن متن بگرام و ضرورت پذیرش یا رد آن در قالب فرمول همه یا هیچ، برای مجلس لازم‌الاتباع نیست و روش‌هایی برای مشروط‌سازی و ارائه تفسیر مختار از آن وجود دارد.

۳. کمیسیون بگرام، صدور قطعنامه ۲۲۳۱ را قبل از تصویب بگرام در مجلس شورای اسلامی و یا حداقل رفع موانع قانونی آن در خصوص قبول داوطلبانه پروتکل الحاقی به‌عنوان یک نقطه ضعف جدی در مسیر مذاکرات هسته‌ای ۲ سال گذشته ارزیابی کرده است.

۴. کمیسیون این موضوع را که برجام به مدت ۱۵ سال - و در برخی موارد بدون هرگونه سقف زمانی - جایگزین NPT برای ایران شده و عملاً ایران را از این معاهده استثناء کرده است، به عنوان یک نقطه ضعف جدی برای این توافق در نظر می‌گیرد.
۵. کمیسیون درج یک برنامه غنی‌سازی محدود صنعتی با استفاده از ۵۰۶۰ سانتریفیوژ نسل یک تا سطح ۳/۶۷ درصد در متن برجام را به معنای تأکید بر حق قانونی خدشه‌ناپذیر ایران برای غنی‌سازی هسته‌ای می‌داند.
۶. در حالی که قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۴ اجرای همه اقدامات داوطلبانه از جمله پروتکل الحاقی توسط دولت را ممنوع می‌کند و بند دوم قانون «الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته‌ای ملت ایران» مصوب تیرماه ۱۳۹۴ نیز منحصراً نظارت‌های ذیل پادمان (NPT) را مجاز دانسته و هرگونه نظارتی فراتر از آن را ممنوع دانسته است.
۷. کمیسیون پس از بررسی دقیق نظرات منتقدان و پاسخهای تیم مذاکره‌کننده به این نتیجه رسیده است که مکانیسم‌های داوری مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ و بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام به‌طور کاملاً واضح و عامدانه بر ضد ایران تنظیم شده و این مکانیسم‌ها عملاً برای ایران غیرقابل مراجعه است.
۸. کمیسیون پس از استماع نظرات مختلف درباره جایگاه قطعنامه ۲۲۳۱ طبق منشور ملل متحد، در مجموع ارزیابی کرده است که قرار گرفتن کل این قطعنامه ذیل ماده ۲۵ منشور ملل متحد و لحن ملایم‌تر آن نسبت به قطعنامه‌های پیشین شامل قطعنامه ۱۹۲۹، یک امر مثبت تلقی می‌شود. ولی از آنجا که محدودیت‌های اصلی قطعنامه ۲۲۳۱ عیناً مثل قطعنامه ۱۹۲۹ ذیل ماده ۴۱ منشور ملل متحد اعمال شده و با یادآوری اینکه نه در قطعنامه ۲۲۳۱ و نه در قطعنامه ۱۹۲۹ و یا هیچ‌یک از قطعنامه‌های پیشین عبارات «نقض صلح و امنیت بین‌الملل» و یا «تهدید صلح و امنیت بین‌الملل» برای ایران به کار برده نشده، لذا از این حیث هیچگاه ایران ذیل فصل ۷ نبوده است.
۹. بررسی‌های کمیسیون مشخص نمود که بیان لغو شش قطعنامه قبلی شورای امنیت در بند ۷ و ۸ قطعنامه ۲۲۳۱ از نقاط خوب نتایج مذاکرات و این قطعنامه است؛ با توجه به بند ۱۲ این قطعنامه و امکان بازگشت‌پذیری همه قطعنامه‌های قبلی با هر بهانه‌ای، کمیسیون آن لغو را نه لغو کامل که «لغو مشروط» یا «تعلیق قطعنامه‌های گذشته» استنباط می‌کند.
۱۰. کمیسیون دریافته است که علاوه بر ضعف در تعهدات طرف مقابل، خارج از اراده آمریکا و سایر طرف‌ها هیچ مرجعی در برجام برای راستی‌آزمایی انجام تعهدات طرفهای مذاکره در نظر گرفته نشده است ولی برای انجام انواع تعهدات ایران آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که پیشینه بسیار نامطلوبی در امانتداری و انجام وظیفه فنی و قانونی خود داشته به‌عنوان مرجع راستی‌آزمایی تعیین شده است و همین مقدار از تعهدات کشورهای آمریکا و اروپا در تعلیق و لغو تحریم‌های ظالمانه ایشان و یا انجام دیگر وظایفشان منوط به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شده است.

۱۱. گرچه برجام به‌عنوان بخشی از قطعنامه آورده شده است، «مفاد قطعنامه به منزله این برجام نیست» و لذا مقصود از صدور قطعنامه لغو قطعنامه‌های قبلی بوده است و برای جلوگیری از تکرار برجام را ضمیمه کرده است و با عبارت صریحی که در ذیل تحریم‌ها در برجام آمده است حیثیت حقوقی برجام را از قطعنامه جدا کرده است.
۱۲. کمیسیون معتقد است زمان پایان برجام علی‌القاعده می‌بایست در روز پایان قطعنامه یعنی ده سال بعد از روز اجرا در نظر گرفته می‌شد.
۱۳. کمیسیون اعتقاد دارد عدم تعریف شفاف از «عدم پایداری اساسی» در بند ۳۶ ساز و کار حل و فصل اختلافات زمینه تفسیرهای نادرست، بهانه‌جویی و خسارات جبران‌ناپذیری را برای کشور فراهم می‌سازد. (بازبینی توافقنامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، ۲۰۱۵)^۱

۸- نقض برجام توسط آمریکا

کنگره آمریکا در نوامبر ۲۰۱۶ به صورت اجماع آرا با ۴۱۹ رأی موافق و یک رأی مخالف در مجلس نمایندگان آمریکا و ۹۹ رأی موافق از ۹۹ فرد حاضر در سنای آمریکا، قانون تحریم ایران را تمدید کرد. برخی از مقامات رسمی ایران بر این باور بودند که تمدید این قانون نقض برجام است. استدلال ایشان این بود که در پیوست ۲ برنامه جامع اقدام مشترک به صراحت توقف، لغو یا عدم تصویب تحریم‌های مندرج در این قانون طی حداکثر ۸ سال پس از اجرای برجام درخواست شده بوده است؛ و از این رو عملاً تمدید این قانون به منزله نقض برجام از سوی آمریکا است. پس از پیروزی دونالد ترامپ، وزارت خزانه‌داری آمریکا فوریه ۲۰۱۷ تحریم‌های جدیدی علیه ۱۳ فرد و ۱۲ نهاد مرتبط با ایران اعلام کرد که نقض مجدد و آشکار برجام به حساب می‌آید.

۹- وضعیت ایران از لحاظ استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای

ایران نیز مثل هر کشور دیگری حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را دارد اما به دلیل نگرانی‌های بین‌المللی و مواضع متخاصمانه‌ای که کشورهای ابرقدرت در رابطه با ایران اتخاذ کرده‌اند، حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را برای ایران بسیار تقلیل داده و همان میزان کم را نیز با مراقبت‌ها و نظارت‌های شدید محدودتر نموده‌اند.

تفسیر و قضاوت راجع به دو مقوله «نگرانی‌های بین‌المللی» و «تعهدات بین‌المللی» مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، از جمله امور اختلافی بوده که طرف‌های درگیر و ذینفع، مواضع و دیدگاه‌های متعارض خاص خود را دارند. در حالی که مسئله اول، ماهیت امری ذهنی است و مسئله دوم اساساً

مقوله‌ای عینی است که می‌توان با در نظر گرفتن حقوق بین‌الملل قابل اعتماد و حقایق اثبات شده، در مورد آن قضاوت کرد. (سادات میدانی، ۱۳۹۵: ۲۱۹)

رئیس وقت آژانس بین‌المللی هسته‌ای (محمد البرادعی) در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی؛ طی گزارشی اعلام کرد: «آلودگی با غنای بالا که مهمترین اتهام درباره‌ی برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بود، به طور کامل حل و فصل شده و به این ترتیب ادعای ایران که از دو سال پیش بارها با آژانس و اروپایی‌ها اعلام شده بود، ثابت شد. (حمیدزاده، ۱۳۸۵: ۵۸)

دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی (۱۳ شهریور ۱۳۸۴) سرانجام اعلام کرد: آلودگی با غنای بالا در باره برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به طور کامل حل و فصل شده است. (حمید زاده، ۱۳۸۵: ۵۸)

از سپتامبر سال ۲۰۰۳ (شهریور ۱۳۸۱) برنامه‌های اتمی ایران تحت نظارت جدی آژانس قرار گرفته است. به‌طور کلی آژانس معتقد است که براساس اساسنامه‌ی خود، معاهده ۱۹۶۸، موافقتنامه پادمان و پروتکل الحاقی این کشور باید هر گونه فعالیت اتمی اعم از صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز خود را از جمله جزئیات مربوط به فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم حتی اگر به قصد استفاده صلح‌آمیز باشد به آژانس گزارش کند. مدیر کل آژانس از خرداد ماه ۱۳۸۲ تا زمستان ۱۳۸۳، هفت گزارش مفصل در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران به شورای حکام تهیه نمود. (جلالی، ۱۳۸۳: ۹۲)

برنامه‌ی هسته‌ای بنا به استناد عملکردهای قانونی ایران در این زمینه و از جمله عضویت رسمی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و امضای پروتکل الحاقی آن و اعلام گزارش بازرسی‌های رسمی بازرسان آژانس، حالتی صلح‌آمیز و غیر نظامی دارد و هیچ خطری را متوجه کشورها نخواهد کرد. (اسدی، ۱۳۸۶: ۱۴)

هم اکنون ایران با کاهش چشمگیر فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز خود و با نظارت سازمان انرژی هسته‌ای قادر به استفاده‌ی بسیار محدودتری نسبت به سایر کشورها از انرژی هسته‌ای می‌باشد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ به تمام تأسیسات اتمی ایران دسترسی دارد.

نتیجه‌گیری

پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای با هدف جلوگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای منعقد شده است. این پیمان انتقال فناوری هسته‌ای را برای مقاصد صلح‌آمیز تشویق می‌کند. دیگر قانون این پیمان، قادر است تکثیر سلاح‌های هسته‌ای را تا حد زیادی محدود سازد. با این حال هنوز هم در عمل شکست‌های متعددی نصیب پیمان شده است. تهدید تکثیر سلاح‌های هسته‌ای هنوز پا

برجاست و بسیاری از دولت‌ها قادرند توسعه سلاح‌های هسته‌ای را ادامه دهند. حال آنکه جهان که برای استقرار پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای می‌جنگد. ماهیت تبعیض آمیز این پیمان و کوتاهی کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای در اجرای تعهداتشان براساس ماده ششم پیمان منجر به این نتیجه می‌شود که مقررات رژیم حاضر به اندازه کافی برای اجرای کامل منع گسترش و یا برای تضمین حذف کامل سلاح‌های هسته‌ای موجود با وجود فعالیت‌های تروریستی در سراسر جهان و با وجود خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای و استفاده فزاینده از این سلاح‌ها قوی نیستند.

توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های بزرگ جهان که به آن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) هم گفته می‌شود، سال ۲۰۱۵ میان ایران و کشورهای عضو گروه ۵+۱ متشکل از آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین، پنج کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد به علاوه آلمان منعقد شد. برپایه این توافق، در برابر محدود شدن برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های اعمال شده علیه این کشور لغو یا تعلیق شد. رئیس‌جمهور وقت آمریکا (دونالد ترامپ)، مدت کوتاهی پس از توافق برجام اعلام کرد که از برجام خارج می‌شود و نه فقط تحریم‌های قبلی را باز می‌گرداند بلکه تحریم‌های جدید علیه تهران را نیز اعمال خواهد کرد و به دنبال آن تحریم‌های واشنگتن علیه ایران احیا و تشدید شد.

آمریکا تلاش می‌کند دیگر کشورها نیز ایران را تحریم کنند. در قوانین پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حاکم بر تأمین هسته‌ای راه‌گریز وجود دارد. محدودیت‌های تحمیل شده بر کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای در استفاده از فناوری هسته‌ای (مواد، تجهیزات و دانش فنی) تنها نسبت به دولت‌های دریافت‌کننده یا بهره‌بردار اعمال می‌شوند نه دولت‌های تأمین‌کننده. دول تأمین‌کننده متعهد نیستند تجهیزات هسته‌ای تأمین شده را به آژانس گزارش نمایند. از این رو آژانس به شدت به همکاری یک طرفه (یعنی دریافت‌کننده) وابسته است، که بر اجرای سیستم پادمان‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. با خروج دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۹۷، وضعیت غیر قابل‌تصور در دنیای دیپلماسی ایجاد شد و این باور را در کل دنیا به وجود آورد که تلاش تمامی ابرقدرت‌های دنیا در عرصه‌ی بین‌الملل برای دستیابی به یک توافق‌نامه چگونه می‌تواند بازیچه یک فرد شده و به راحتی آن را زیر پا بگذارد.

در همان زمان ایران و گروه شکل گرفته جدید موسوم به ۵+۱، تلاش‌های خود را جهت ایجاد اجماع حول حفظ برجام آغاز کردند، گفتگوهای گسترده‌ای در سطح بین‌المللی و به ویژه در میان جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای باقی مانده در برجام جهت حفظ این توافق آغاز شد. در این چارچوب اگرچه کشورهای اروپایی اقدامات سیاسی مثبتی را جهت حفظ این توافق چندجانبه بین‌المللی انجام دادند اما با وجود ارایه بسته پیشنهادی حفظ برجام و راه‌اندازی

«اینستکس» یعنی ساز و کار حمایت از مبادلات تجاری، اروپا نتوانست اقدامات عملی فراتر از آن برای مقابله با تحریم‌های آمریکا انجام دهد. طی دوران ریاست جمهوری ترامپ فشارهای سیاسی و اقتصادی بی‌سابقه‌ای به کشور ایران وارد شد. از یک طرف آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها ایران را مجبور به کاهش فعالیت‌های هسته‌ای نموده و حتی برخی فعالیت‌ها را نیز متوقف کردند و از سویی دیگر تحریم‌ها نه تنها پا برجا ماند بلکه تحریم‌های جدیدی نیز علیه ایران، تصویب و اعمال نمودند.

با روی کار آمدن «جو بایدن» در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ میلادی و تغییر ظاهری سیاست خارجی این کشور، صحبت‌هایی حاکی از حفظ برجام از سوی آمریکا مطرح گردید اما تاکنون با گذشت نزدیک یک سال از این اتفاق در عمل گام‌هایی جهت لغو تحریم‌ها دیده نشده اما فشارهای بین‌الملل جهت محدود نگه داشتن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و ارائه گزارش‌های مکرر به سازمان اتمی همچنان باقی است. رفتار غیردیپلماتیک و عهدشکنانه آمریکا در قبال برجام و همچنین تعلل اجرای تعهدات برجام توسط سایر کشورهای شرکت‌کننده در توافقنامه برجام، دلیل بر بی‌اساس بودن ادعاهای کشورهای ابرقدرت در عرصه‌ی دیپلماسی داشته و حاکی از اعمال فشار و زور علیه سایر کشورها می‌باشد.

منابع

- اسدی، بیژن (۱۳۸۶). تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت. روابط و امنیت منطقه‌ای، پژوهشنامه علوم سیاسی. ۶(۱)، ۳۱-۱.

<https://www.sid.ir/fa/journal>

- بابایی، مجتبی (۱۳۹۴). استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حق غنی‌سازی ایران. مجله حقوقی دادگستری. ۷۹(۹۲)، ۵۲-۳۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal>

- بطروس، بطروس غالی (۱۳۸۱). حقوق بین‌الملل در تکاپوی ارزش‌های خود؛ صلح، توسعه و دموکراسی. ترجمه ابراهیم بیگ‌زاده. مجله تحقیقات حقوقی. ۳۶(۳۵)، ۱-۳۶.

- جلالی، محمود (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای و وضعیت ایران، اندیشه‌های حقوقی. اندیشه‌های حقوقی. ۲(۷)، ۱۰۲-۷۵.

<https://rrold.journals.ikiu.ac.ir/>

- حمیدزاده، رضا (۱۳۸۵). جایگاه حقوقی انرژی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه قضاوت. ۴۱(۵۲)، ۵۸-۵۴.

<http://www.ghazavat.org/>

- سادات میدانی، سیدحسین (۱۳۹۵). اختلافات آژانس بن‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل. مجله حقوقی بین‌المللی. ۵۴(۹۰)، ۲۵۶-۲۱۹.

<https://www.sid.ir/fa/journal>

- سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۰). جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر محور در حال ظهور. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. ۱(۱)، ۶۹-۶۱.

<https://jclr.atu.ac.ir/>

- Bertel.E. and goop van de vate.(1995).Nuclear Energy and the Environmental Debate:the context of choice,through international bodies on climate change, the roles of nuclear Power and other energy options are being assessed .IAEA Bulletin. 37(4), 11-29.

- Elbaredei. M. Nwogugu. Edwin; and John Rames. (1995). International Law and Nuclear Energy: Overview of Legal Framework. IAEA Bulletin. 3(1), 24-38.

- Iran Nuclear Agreement Review Act of 2015. Pub.L. 114-17. was an amendment to the Atomic Energy Act of 1954. 1 (1), 1-14

(<https://www.govinfo.gov/content/pkg/COMPS-11596/pdf/COMPS-11596.pdf>)

- Kiss. A. (2006) .State Responsibility and Liability for Nuclear Damage. Denver Journal of International Law & Policy. 35, 20-28.

- NPT Review conference, final document of the 2000 Review conference of the Parties .NPT/conf.2000/28,24 may 2000.

(<https://www.aeoi.org>)

- NPT, Preparatory Committee for the 2005 Review Conference of Parties to the NPT. Third Session, NEW York , 26 April-7 May 2004.

(<https://www.aeoi.org>)